

ارسال: ۱۴۰۳/۷/۱۵

پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۱۸

10.22034/nf.2024.482112.1345

روان‌شناسی رنگ در شعر مقاومت افغانستان براساس نظریهٔ ماکس لوشر (مطالعه موردی اشعار عبدالقهار عاصی)

شفیع‌الله سالک (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^۱، قزوین، ایران)
مهسا رون* (استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی^{نویسنده مسئول}، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^۲، قزوین، ایران)

چکیده: تحولات ادبیات معاصر فارسی در افغانستان بازتاب‌دهندهٔ اوضاع اجتماعی-سیاسی و بیانگر ضرورت‌های فرهنگی نوین و گرایش‌های تجدیدخواهانه و، همچنین، زمینه‌ساز شکل‌گیری جریان‌های شعری متفاوتی شده است که هریک، بر مبنای اندیشه‌های آرمان‌گرایانهٔ خود، این مضامین را بازتاب می‌دهند. کاربرد متفاوت رنگ در اشعار شاعران افغانستان نیز در انعکاس عواطف و اعتقادات و اندیشه‌های فردی و اجتماعی و سیاسی آنان نقشی مهم دارد. از آنجاکه انتخاب هر رنگی نشان‌دهندهٔ شخصیت عاطفی و معنوی و وضعیت و حالات روانی فرد انتخاب‌کننده است، به‌مدد «آزمون رنگ/ روان‌شناسی رنگ» ماکس لوشر، می‌توان دلایل ترجیح هر کس را در انتخاب رنگ‌ها بررسی و وضعیت روحی-روانی او را تحلیل کرد. شاعران جریان‌های گوناگون شعری نیز از رنگ‌ها به‌مثابهٔ ابزاری برای تحقق اهداف سیاسی-اجتماعی خویش بهره برده‌اند؛ از آن جمله است شاعران جریان شعر مقاومت — از سرآمدترین جریان‌های شعر معاصر افغانستان — که در بیان افکار خود از طیف رنگ‌های متفاوت بهره گرفته‌اند. رنگ‌ها، در اشعار قهار عاصی (از برجسته‌ترین شاعران جریان مقاومت افغانستان)، نیز کاربرد فراوان دارد. بررسی کارکرد هشت رنگ کاربرد در اشعار قهار عاصی، به‌شیوهٔ توصیفی-تحلیلی، حاکی از آن است که رنگ سرخ بسامدی معنادار دارد و دلیلی است بر گرایش شاعر به مفاهیم شهادت و قیام و مبارزه. همچنین، فراوانی بسامد رنگ سبز از تمایل شاعر به اصلاح وضعیت موجود جامعه و امید به زندگی بهتر حکایت دارد. بنابراین، خوانش روشمند شعر مقاومت افغانستان، براساس نظریهٔ لوشر، می‌تواند ما را به شناخت جامع و دقیق افکار و شخصیت شاعران و لایه‌های پنهان شعر معاصر افغانستان رهنمون سازد.

کلیدواژه‌ها: شعر مقاومت افغانستان، روان‌شناسی رنگ، قهار عاصی، ماکس لوشر.

مقدمه

در جهان هستی، رنگ‌ها از عوامل مهم شناخت انسان از محیط پیرامون خویش محسوب می‌شوند و نقشی برجسته در ایجاد ارتباط و پیام‌رسانی دارند. همچنین، از دیرباز و در جوامع گوناگون، نماد برخی عناصر عاطفی و فرهنگی و قومی و ملی و نمایانگر باورها و پندارهای افراد و انعکاس‌دهنده خصوصیات نهانی و درونی آنان و مهم‌ترین عنصر هنری در بروز خلاقیتشان بوده‌اند. اساساً،

طبیعت، بدون رنگ، به‌سختی به تصویر درمی‌آید. تصویر، در طبیعت، به رنگ آبی آسمان، سبزی دشت، زردی غروب، سپیدی طلوع، و دیگر رنگ‌ها جلوه می‌کند. رنگ گاهی صورت نماد به خود می‌گیرد؛ مانند رنگ سپید پرچم که نشانه صلح و آشتی است. رنگ گاهی نمادی از عواطف است؛ مانند رنگ قرمز برای نشان‌دادن خشم و رنگ آبی برای نمایاندن آرامش. (پورنامداریان، ص ۲۶۲)

رنگ‌ها، در نزد اقوام و مذاهب گوناگون، معانی متفاوتی دارد؛ مثلاً،

در میان مسلمانان، رنگ سیاه برای عزاداری به کار می‌رود و رنگ سرخ رمز شهادت و فداکاری است؛ رنگ سفید رنگ شادی و سرور و رنگ لباس حجاج است. رنگ آبی، در بین عبری‌ها، جایگاه والایی دارد و یکی از رنگ‌های مقدس آنان محسوب می‌شود و یا، در قرون اولیه، در چین، هند، و اروپا، رنگ زرد مقدس بود و مسیحیان آن را در لوحه‌های مقدس کلیساها به کار می‌بردند. (قائمی و صمدی، ص ۲۶۴)

نظر به نقش اساسی رنگ‌ها در بازتاب شخصیت عاطفی و معنوی افراد، در روان‌شناسی جدید نیز کیفیت انتخاب رنگ از سوی افراد از معیارهای سنجش شخصیت محسوب شده‌است. پیشرفت‌های دو دانش فیزیولوژی (کاراندام‌شناسی) و روان‌شناسی نشان می‌دهد رنگ‌ها تأثیری ویژه بر روان افراد باقی می‌گذارند و نمایانگر وضعیت روانی و جسمی فردند. در صد سال اخیر، که صنعت رنگ‌سازی به اوج تحول خود رسیده، این تأثیرگذاری دوجندان شده‌است (← لوشِر، ص ۸). رنگ‌ها با حوزه‌های گوناگونی، از جمله طبیعت و روان‌شناسی و فرهنگ و اسطوره، نیز در پیوندند و در شکل‌گیری تصاویر ادبی نقش دارند.

شعر افغانستان پس از جنبش مشروطه در ۱۲۹۸ ش تحول اساسی یافت و، متأثر از عوامل اجتماعی و فرهنگی متعدد (همچون آشنایی روشنفکران با اندیشه‌های نو بعد از جنگ جهانی دوم، ترجمه آثار ادبی، روابط نزدیک با اتحاد جماهیر شوروی، مهاجرت به ایران و آشنایی با آثار ادبی آن)، زمینه شکل‌گیری جریان‌های متفاوت شعری در ادبیات افغانستان فراهم آمد؛ از جمله جریان شعری دینی و عرفانی، مقاومت، واقع‌گرایی اجتماعی و این جریان‌ها شعر و ادبیات را بر مبنای اندیشه‌های آرمان‌گرایانه خویش تحلیل و تفسیر می‌کردند و شاعران هر یک (و، مشخصاً و متناسب با موضوع این

پژوهش، شاعران جریان شعر مقاومت نیز)، برای بیان افکار و عواطف خویش، از طیف‌های گونه‌گون رنگ‌ها بهره می‌جستند.

عبدالقهار عاصی، از شاعران معروف شعر مقاومت افغانستان، طیف گسترده‌ای از رنگ‌ها را در اشعار خود به کار برده که بازتابی است از شخصیت و عواطف او. از این رو، تحلیل کمیّت و کیفیت کاربرد رنگ‌ها در شعر عاصی می‌تواند دریچه‌ای تازه برای درک دقیق‌تر شعر مقاومت افغانستان بگشاید.

پیشینه پژوهش

براساس تحقیقات ما، تاکنون، شعر مقاومت افغانستان از منظر نظریه روان‌شناسی رنگ تحلیل نشده اما پژوهش‌های فراوانی، نزدیک به موضوع این مقاله، در اشعار شاعران ایرانی انجام گرفته‌است؛ ازجمله:

- «روانشناسی رنگ در اشعار سهراب سپهری»، سیدعلی قاسم‌زاده و ناصر نیکوبخت، پژوهش‌های ادبی، دوره اول، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۴۵-۱۵۶.

- «تحلیل رنگ در سروده‌های سهراب سپهری»، کاووس حسینی و مصطفی صدیقی، نثرپژوهی ادب فارسی (ادب و زبان)، دوره جدید، ش ۱۳ (پیاپی ۱۰)، ص ۶۱-۱۰۴.

- «روانشناسی رنگ در مجموعه اشعار نیما» (براساس روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر)، مهین پناهی، پژوهش‌های ادبی، ش ۱۲ و ۱۳، دوره سوم، تابستان و پاییز ۱۳۸۵، ص ۴۹-۸۲.

- «سه صدا، سه رنگ، سه سبک در شعر قیصر امین‌پور»، محمود فتوحی رودمعجنی، ادب‌پژوهی، دوره دوم، ش ۵، تابستان و پاییز ۱۳۸۷، ص ۹-۳۰.

- «کاربرد نظریه روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر در نقد و تحلیل شعر فروغ فرخزاد»، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، سال دوم، ش ۲ (پیاپی ۶)، تابستان ۱۳۸۹، ص ۸۹-۹۴.

- «نسبت کاربرد رنگ واژه‌ها با روان‌شناسی شخصیت در شعر شاملو»، ناصر نیکوبخت و سیدعلی قاسم‌زاده، در پرنیان سخن (مقاله‌های پنجمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی)، به‌کوشش کیوان زارعی و دیگران، پالیز سخن، تهران ۱۳۹۴، ص ۲۲۱۸-۲۲۳۹.

- «روانشناسی رنگ در اشعار هوشنگ ابتهاج براساس آزمایش ماکس لوشر»، زهرا فرح‌نژاد فرهنگ، بهارستان سخن، دوره سیزدهم، ش ۳۱، بهار ۱۳۹۵، ص ۱۵۵-۱۸۰.

چارچوب نظری

شعر مقاومت افغانستان

تحولات ادبیات معاصر افغانستان، با کودتای هفتم ثور (اردیبهشت ۱۳۵۷)، شتاب بیشتری گرفت و به‌ویژه با تشکیل نظام کمونیستی وابسته به شوروی، که ادبیات را در خدمت حکومت قرار می‌داد، نوعی ادبیات

ایدئولوژیک در افغانستان شکل گرفت. همراهی و مخالفت شاعران با آن، درواقع، دو جریان متضاد با یکدیگر را شکل داد: ۱) جریان شعر سوسیالیستی که طرفدار اندیشه و نظام کمونیستی-مارکسیستی بود و شاعرانش به تبلیغ و توصیف رژیم کودتا می‌پرداختند و «شعر را بر مبنای تفکرات آرمان‌گرایانه چپی تحلیل و تفسیر می‌کردند» (اکبری و فضائی، ص ۶۲)؛ ۲) جریان شعر مقاومت که، برخلاف جریان قبلی، برضد نظام استعماری و دست‌نشانده اتحاد جماهیر شوروی شکل گرفته بود.

به‌گواه تاریخ، در ادبیات ملت‌های بی‌دغدغه و آرام، که با فشار دستگاه مستبد حاکم یا تهاجم بیگانگان مواجه نبوده‌اند، ادبیات مقاومت رشدی ندارد. در تاریخ افغانستان نیز، هر زمان که جامعه ازسوی نیروهای بیرونی یا عوامل مستبد داخلی تحت فشار قرار گرفته، ادبیات مقاومت ظهور و بروز یافته‌است (← بصیری، ج ۱، ص ۲۳). این چنین است که شعر

شاعرانی که در مخالفت با جریان سیاسی و ادبی شعر رئالیسم سوسیالیستی به سرایش می‌پرداختند [و]، درواقع، با خط فکری-سیاسی و عملکرد نظامی دولت وقت مخالف بودند و در برابر هجوم ارتش شوروی به افغانستان تنفر و مخالفت خود را در لابه‌لای سروده‌های خویش بازتاب می‌دادند، [به] شعر مقاومت معروف گردید. (قویم، ص ۱۲۳)

شاعران داخل افغانستان، که از نزدیک شاهد جنایات و کشتار و ویرانی‌ها بودند، در اشعارشان محتاطانه فضای اختناق را ترسیم و آرزوی پیروزی و رسیدن به آزادی را منعکس می‌کردند و، «از این روی، بعضی صاحب‌نظران بر آن‌اند که این‌گونه شعر برخلاف شعر برون‌مرزی — که با آزادی و صراحت تمام سروده می‌شد — این توفیق اجباری را یافت که پوشیده‌تر، رمزآمیز تر، و در نتیجه هنری‌تر باشد» (واصف‌باختری، ص ۸). همچنین، غالب شاعران مخالف با کمونیسم و مدافع عقاید اسلامی نتوانستند در داخل افغانستان زندگی کنند و به ایران و پاکستان و دیگر کشورها مهاجرت کردند؛ و بدین‌گونه در «شعر مهاجرت» نیز مضمون مقاومت و پایداری برجسته شد. اشعار مقاومتی شاعران مهاجر افغان، به‌لحاظ مرتبه و فن، از اشعار مقاومتی شاعران داخل افغانستان برتر است (← انوشه و شریعتی، ص ۶۴)، زیرا مهاجران از «فرصت کافی برای شعرگفتن و دانش‌فتی و وسیع‌شعری»، هردو، برخوردارند و سایه سرکوب دولت وقت بر سرشان نیست و می‌توانند آزادانه شعر بگویند. (← همان‌جا)

پس از کودتای هفتم ثور (اردیبهشت) ۱۳۵۷، خلیل‌الله خلیلی (شاعر پیش‌کسوت شعر مقاومت) مستزاد «ای‌وای وطن، وای وطن، وای وطن، وای» و چند قصیده دیگر را در امریکا سرود؛ که از نخستین نمونه‌های شعر مقاومت و پایداری افغانستان محسوب می‌شود (← واصف‌باختری، ص ۷۷). سیدابوطالب مظفری نیز، همچون واصف‌باختری، با وجود انتقادهایی به زندگی قبل از کودتای هفتم

ثور، خلیلی را طلایه‌دار شعر مقاومت و پایداری افغانستان دانسته است (← مظفری، ص ۸۷). پس از خلیلی نیز شاعرانی متعهد همچون عبدالقهار عاصی، عبدالرحمان پژواک، عبدالسمیع حامد، پرتونادری و ... اشعاری غالباً نمادین در مخالفت با ظلم و استبداد سرودند و، به‌همت آنان، شعر مقاومت به یکی از جریان‌های مهم ادبی شعر معاصر افغانستان بدل شد.

نگاهی به سبک شعری عبدالقهار عاصی

قهار سرودن شعر را از دوران دانشجویی آغاز کرد و، در نیمه دهه شصت شمسی، زبان شعری‌اش رو به پختگی و کمال نهاد. واژگان در اشعار او چنان رنگ‌وبوی محلی و بومی دارند که گاه به شرح و توضیح نیاز دارند. نوگرایی زبان، همخوانی و هم‌نشینی آواها، شهادت بیان، انسجام بافت واژگانی، قوت حضور مؤلفه‌های ساختار زبانی و اسطوره‌ای، و حس آمیزی از ویژگی‌های زبانی شعر عاصی است (← کبری، ص ۶۵-۶۶). گاه رگه‌هایی از نگرش عارفانه در شعر او می‌بینیم و زمانی نیز او را شاعری عاشقانه‌سرا می‌یابیم. اقا، بیشتر، قهار را باید شاعری سیاسی-اجتماعی دانست که در خط مقاومت و پایداری در برابر استبداد و تجاوز ایستاد و فریاد آزادی و عدالت‌خواهی سر داد؛ ویژگی‌ای که حتی در غزلیاتش نیز مشهود است (← پرتونادری، ص ۷۱). عاصی گاه رباعی و ترانه مقاومت می‌سراید و گاه غزل، قطعه، سپید، و نیمایی. البته، مضمون مقاومت، در اشعار نیمایی و سپید او، بیشتر است و با مفاهیم و بینش‌های اسلامی نیز درآمیخته. (← همان، ص ۸۱) عاصی، پس از ۳۸ سالگی، در ششم مهر ۱۳۷۳، در جریان جنگ‌های داخلی افغانستان، در کابل هدف خمپاره قرار گرفت و شهید شد.

نظریه روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر

تأثیرات خاص انواع رنگ‌ها بر جسم و روح آدمی روان‌شناسان را بر آن داشته‌است تا، با دقت در کاربرد رنگ‌ها، لایه‌های پنهان شخصیت افراد را بازشناسند. یونگ، از بنام‌ترین متفکران و روان‌کاوان قرن بیستم، با باور به «نیروی نمادین رنگ‌ها»، «بیمارانش را تشویق می‌کرد که از رنگ‌ها در نقاشی‌هایی استفاده کنند و پیوندی بین ناخودآگاه و خودآگاهشان برقرار سازند». (سان^۱ و سان^۲، ص ۵۸) از نظر جوهانز ایتن، «شخصیت هنری یک هنرمند با توجه به جنبه ذهنی رنگ‌آمیزی‌ها و فرم‌های آثارش مشخص می‌گردد و مطابقت رنگ‌های ذهنی راه طبیعی است به طرف شناخت فکر و احساس و عمل افراد» (ایتن،

ص ۵۸). درواقع، هراث، خودآگاه و ناخودآگاه، نمایانگر جهان‌بینی آفریننده آن است. شعر نیز، چون از عواطف و احساسات شاعر سرچشمه می‌گیرد، آینه تمام‌نمای شخصیت و خصوصیات روحی-روانی او به شمار می‌رود. (قاسم‌زاده و نیکوبخت، ص ۱۴۸)

از میان پژوهش‌های متعدد در حوزه روان‌شناسی رنگ‌ها، آزمون هِرمان رورشاخ (روان‌پزشک سوئسی؛ ۱۸۸۴-۱۹۲۲) و آزمون ماکس لوشر (روان‌درمانگر و استاد دانشگاه سوئیس؛ ۱۹۲۳-۲۰۱۷) شهرت جهانی یافته‌است. سبب شهرت آزمون رنگی لوشر سنجش وضعیت روانی فرد براساس ترجیح رنگ‌هاست. در آزمایش لوشر، هر رنگ مستقلاً و بدون مداخله رنگ‌های دیگر و به دور از دید زیبانگراانه یعنی با نگرش روانی-بررسی می‌شود و، در طی آن، فرد، از میان هشت برگه رنگی، بنا به علاقه خود، به ترتیب رنگ‌ها را برمی‌گزیند و رنگی را که بیش از همه محبوب اوست در انتخاب نخست و رنگ کم‌اهمیت‌تر یا منفور خود را در جایگاه هشتم می‌گذارد. چهار رنگ اصلی لوشر (آبی، زرد، قرمز، و سبز) نشان‌دهنده نیازهای اولیه روانی‌اند.

آن چهار رنگ اصلی، در سنجش فرد برخوردار از سلامت روانی، باید در چهار ردیف نخست یا حداقل در پنج ردیف اول رنگ‌ها قرار بگیرد (لوشر، ص ۵۰)؛ وگرنه از نارسایی و نقص فیزیولوژی (جسمی) یا روانی فرد نشان دارد. و این نارسایی، هرچقدر جایگاه قرارگرفتن رنگ اصلی به ردیف‌های پایانی رنگ‌ها نزدیک‌تر باشد، می‌باید شدیدتر و جدی‌تر تلقی شود (همان‌جا). در آزمون لوشر، چهار رنگ فرعی هم وجود دارد: بنفش (ترکیبی از قرمز و آبی)؛ قهوه‌ای (آمیزه‌ای از زرد، قرمز، و سیاه)؛ خاکستری (که هیچ رنگی ندارد)؛ و سیاه (که درواقع نفی همه رنگ‌هاست).

در آزمون لوشر، پشت هر برگه، یک عدد نوشته شده: «خاکستری: (۰)»، «آبی: (۱)»، «سبز: (۲)»، «قرمز: (۳)»، «زرد: (۴)»، «بنفش: (۵)»، «قهوه‌ای: (۶)»، «سیاه: (۷)». برگه‌ها، براساس علاقه فرد، در یک ردیف، از سمت عدد و از چپ به راست قرار می‌گیرند؛ بدین‌گونه که محبوب‌ترین رنگ در جایگاه نخستین برگه و در سمت چپ و رنگی که فرد کمترین علاقه را به آن دارد یا منفور اوست در جایگاه هشتمین برگه و در سمت راست قرار می‌گیرد. برگه‌ها، پس از مرتب‌شدن، دوبه‌دو (زوجی) گروه‌بندی می‌شوند. دو رنگ (زوج اول) از سمت چپ با علامت جمع (+)، زوج دوم با علامت ضربدر (x)، زوج سوم با علامت مساوی (=)، و زوج چهارم با علامت تفریق (-) تقسیم‌بندی می‌شوند. بدین ترتیب، چهار منطقه دوتایی به دست می‌آید که هریک شامل دو وضعیت (ترتیب قرارگرفتن رنگ محبوب در مناطق چهارگانه) است و تفسیر کارکردی علامت‌ها از این قرار:

- (۱) منطقه ترجیح شدید یک رنگ (مشخص‌شونده با علامت +) نمایانگر اهداف مطلوب یا رفتار برخاسته از آن‌هاست و مشتمل بر دو وضعیت: وضعیت اول حاکی از روشی اساسی است که شخص برای رسیدن به هدف خود انتخاب می‌کند؛ وضعیت دوم نشان‌دهنده هدف واقعی اوست.
- (۲) منطقه ترجیح عادی (مشخص‌شونده با علامت x) مبین «وضع واقعی امور» است؛ یعنی وضعیتی که شخص واقعاً خود را در آن می‌یابد. و این منطقه شامل وضعیت سوم و چهارم است.
- (۳) منطقه بی‌واکنشی و بی‌حسی به یک رنگ (مشخص‌شونده با علامت =) که شامل وضعیت پنجم و ششم و مبین احساس نامطلوب به وضع موجود و بی‌علاقگی فرد به آن است.
- (۴) منطقه بی‌میلی به یک رنگ یا انزجار از آن (مشخص‌شونده با علامت -) مشتمل بر وضعیت هفتم و هشتم است و بیانگر صفات بارز مطرود یا سرکوب‌شده یا مملو از اضطراب. (← فرج‌نژادفرهنگ، ص ۱۵۶-۱۵۷)

بدین ترتیب، جایگاه قرارگرفتن هر رنگ مشخص‌کننده نوع کنش آن رنگ است، زیرا گرایش ذهنی به رنگ‌های مختلف از محبوب‌ترین تا منفورترین - نمایانگر واکنش‌های متفاوت روانی است؛ البته جنبه نسبی بودن آزمون لوشر را نباید از نظر دور داشت، زیرا انسان موجودی است ناشناخته و متغیر. به هر روی، آزمون مزبور، با تحلیل شخصیت روانی افراد و توجه به مرکز فشار روحی و جسمی، روان‌شناس و پژوهشگر را وامی‌دارد تا کمتر به قضاوت خویش تکیه کند؛ ضمن اینکه سادگی و اعتبار این آزمون نیز درخور توجه است. (← علوی‌مقدم و پورشهرام، ص ۸۵)

بررسی رنگ‌های کاربردی لوشر و معنا و اهمیت آن‌ها در اشعار قهار عاصی

در آزمون لوشر، هریک از هشت رنگ (اصلی و فرعی) معنای جسمی و روحی مختص خود را دارد که اصطلاحاً «ساختار رنگ» نامیده می‌شود. این معانی جنبه عمومی و کلی دارند و پیام و مفهومشان، در سراسر جهان، برای همگان (زن و مرد، پیر و جوان، باسواد و بی‌سواد، متمدّن و نامتمدّن) یکسان است (← لوشر، ص ۷۳). در این پژوهش، نخست معنا و اهمیت هر هشت رنگ، براساس بسامد کاربرد آن در شعر قهار عاصی، تبیین و سپس عملکرد شاعر در هر گروه رنگی بررسی و تحلیل می‌شود.

قرمز (۳) - رنگ و نماد عشق است و، شگفت‌انگیزانه، احساسات و هیجانات عاشقانه را در وجود انسان بیدار می‌سازد. نیز نمایانگر نیروی حیات و فعالیت عصبی و غددی و پیام‌آور میل و آرزو و اشتیاق وافر است (← همان، ص ۸۸). قرمز، همچنین، نشان «فداکاری»، «شوریدگی و آشوب»، «خورشید»، «آتش»، و «قدرت و سلطنت» (اسماعیل‌پور، ص ۲۲) است. این رنگ اصلی طبیعتی بسیار مثبت دارد و، با ازمیان‌بردن افکار و احساسات منفی، آدمی را به دستیابی مُراد و پیروزی وامی‌دارد. شرقی‌ها، مدت‌ها قبل از به‌قدرت‌رسیدن کمونیست‌ها در سال‌های ۱۹۴۰، قرمز را رنگ

خوشبختی می‌دانستند. همچنین، در روسیه، سال‌ها پیش از آنکه قرمز نماد «انقلاب» شود، نشان «غرور ملّی» بود و میدان مرکزی مسکو، از زمان ایوان مخوف در قرن شانزدهم، به «میدان سرخ» معروف بوده‌است. (← خواجه‌پور و دیگران، ص ۴۶)

«از نظر معنوی و روحی، قرمز نیروی اراده و شجاعت را تقویت و بر ضعف قلب و بی‌ایمانی غلبه می‌کند» (هانت، ص ۵۳). قرمز نماد اشرافیت و رنگ لباس‌های سلطنتی است؛ چنان‌که گسترده شدن قرمز نشانه احترام است. در قدیم، این رنگ را مناسب لباس جنگ می‌دانستند و نشان خونی بود که با خشونت ریخته شود. (← دی و تیلور، ص ۱۲)

فردی که رنگ قرمز را در وضعیت اول انتخاب کند علاقه‌مند به زندگی پُر جنب و جوش و اموری چون مشارکت در کارها با روحیه‌ای تهورآمیز، رهبری، تلاش خلاقانه، رشد و توسعه، و یا انجام دادن کارهایی بسیار خیال‌بافانه است. (← لوشر، ص ۸۹)
در کلیات قهّار عاصی، قرمز در وضعیت اول و پُرکاربردترین رنگ است و در تصویرسازی و نمادپردازی‌های شاعر حضوری برجسته دارد. مثلاً می‌گوید:

تاریخ من مفهوم تابناکی کهسار است / ای بازتاب سرخ تغزل / دستان اهرمن به گلویت نمی‌رسد.
(عاصی، ص ۷۳۹)

بگو برای غلامان به رسم تازه برقصد / و کارنامه سرخ قلمرو ما را برای مائده‌های نو استعاره کنند.
(همان، ص ۷۴۲)

آنان که بهر خاطر ارباب‌هایشان / قرمزترین «بلی» به لب خویش داشتند. (همان، ص ۹۰۸)

شاخ سخت و قوی «مسکو» را پنجه‌های قوی‌تان بشکست
پشت «کاخ سفید» را لرزاند کاخ سرخ از بُن آن چنان بشکست
(همان، ص ۵۶۳)

در شعر عاصی، «گل سوری» و «گل سرخ» نماد «شهید» و «شهادت» است:
اگر به خاطر گل‌های سرخ می‌خوانی / برون برای برون / و گر برای درختان سرو می‌رقصی / به بام بالا شو /
به زیر خانه، صدای جنون نمی‌گنجد. (همان، ص ۸۱۲)

برادران! گل سوری از حوالی نیسان به باغ، قافله بسته‌ست پابه‌پای مجاهد
(همان، ص ۶۱۵)

و ملّت گل سوری / چریک زاد و مجاهد برای آزادی. (همان، ص ۷۴۷)

به زمین‌شوره جان و به خاک‌توده دل گل سرخ پروراند غزل من و غم من
(همان، ص ۳۴۱)

گل سوری به دشت و بانگ ساری در درختستان ز جنسی ناله هرکس داشت، با وی هم سخن بودم
(همان، ص ۶۱۳)

واژه «خون» (تداعی گر رنگ سرخ) در شعر عاصی بسامد فراوان دارد و فضای پُر آشوب روزگار
شاعر را باز می نمایاند:

باز ملّت خون چکان از پای و سر مرده هایش را شماره می زنند
باز ملّت داغ داغ از دسّت غم نسجِ خونینِ کفن برمی تنند
(همان، ص ۶۳۸)

سال آغاز به خون پیوستن خورشید و لبخند و شکوفیدن / سال صورت های چرکین / سال اندام و بایی /
سال خون / سال جدایی. (همان، ص ۷۲۵)

متن این فاجعه چندان خون داشت / که نسیم / از گذرگاه به سنگینی مرگ پدران / تلخ و جان کاه وزید.
(همان، ص ۶۷۳)

ز بدکیش و بدرا^۱ حکایت کنیم ز اهریمنِ خون شکایت کنیم
(همان، ص ۵۳۷)

به حدّی که تاریخ ندارد به یاد از آن دسّتِ خون خوارگی و فساد
(همان، ص ۵۴۱)

در مجموع، رنگ قرمز / سرخ، در کلیّات قهّار عاصی، ۱۲۰۲ بار به کار رفته که ۴۹ بار آن عیناً
صورت مکتوب واژه و ۱۱۵۳ بار تداعی کننده هاش است.

جدول ۱ بسامد این رنگ و تداعی گره های آن را در اشعار عاصی نشان می دهد.

۱. در اصل، «بدراّی». برای رفع اختلال وزن، به «بدرا» تغییر یافت. ویراستار

جدول ۱ بسامد رنگ قرمز و تداعی گره‌های آن در کلیات قهّار عاصی

مجموعه اشعار رنگ قمرز و تداعی گره‌های آن											
مقامه گل سوری	لالایی برای ملیحه	دیوان عاشقانه باغ	غرل من و ضم من	تنها ولی همیشه	از جزیره خون	از آتش، از ابریشم	سال خون، سال	از باغچه های تاریک	از دست نویس ها	رباعی ها	دوبیتی ها
۱	-	۱۷	۴	۴	۱	۲	۹	۱	۷	-	۲
-	-	-	-	-	-	-	۱	-	-	۱	-
۷	۶	۱	۶	۵	-	۵	۹	۳	۱۷	۹	۵
۵	-	-	۱	۲	-	۲	۳	۱	۲	۳	۱
-	-	-	-	۱	-	-	۱	-	-	-	-
۲	-	۲	۱	۲	-	-	۱	-	۳	۲	-
۱۸	۴	۴۳	۲۹	۲۳	۴۴	۴۵	۲۷	۲۶	۳۶	۳۴	۱۱
۱۳	۲۵	۶۸	۱۶	۲۲	۶	۱۴	۱۸	۶	۱۹	۵۴	۲۷
۹	۳	۷	۳	۶	۶	۲۹	۷	۸	۲۳	۴	۳
۷	۴	۲۲	۱۰	۱۵	۱۱	۲۱	۱۳	۸	۲۸	۱۶	۱۲
۲	-	۴	۱	۲	۵	۵	۲	۵	۳	۲	-
۸	۴	۹	۸	۵	-	۷	۶	-	۲	۶	۱
-	۲	۲	۱	-	۳	۳	۲	-	۱	-	۲
۱	۱	۵	-	۱	-	۱	۲	-	۳	۱	-
-	-	-	-	-	-	۲۲	-	-	-	-	-
۷۳	۴۹	۱۸۰	۸۰	۸۸	۷۶	۱۵۷	۱۰۱	۵۸	۱۴۴	۱۳۲	۶۴
مجموع											

۱۲۰۲

سبز (۲) - نماد رشد، احساسات، باززایی، امید، باروری (← اسماعیل پور، ص ۲۲)، و حد واسط آبی و زرد و ترکیبی از آن دو، و نیز نشان رضایت و آرامش و امیدواری و تلفیق دانش و ایمان دانسته شده است (← ایتن، ص ۲۱۸). به نظر ماکس لوشر، کسی که رنگ سبز را انتخاب می کند به اصول و عقایدی تغییرناپذیر باور دارد و می خواهد به دیگران پندهای اخلاقی دهد. (← لوشر، ص ۸۵)

در اسلام، رنگ سبز نماد ایمان، توکل، فناپذیری، ابدیت، و رستاخیز و محشر است. خداوند نیز در قرآن به سبز پوشی بهشتیان توجه داده است: ﴿وَلْيَبْسُوثُنَّ ثِيَابًا خَضْرَاءً﴾ (الکهف: بخشی از آیه ۳۱)؛ از این رو، برخی فقها لباس سبز را، پس از سفید و زرد، از بهترین پوشش ها دانسته اند. التفات به پوشش سبز رنگ سیره خاندان نبوت و امامت نیز بوده است (← خواجه پور و دیگران، ص ۳۳). سبز، همچنین، نشان سخاوتمندی، عشق، مهربانی، تعادل، و بردباری است.

انتخاب کنندگان رنگ سبز هردوسوی مثبت و منفی یک معضل را می بینند و معمولاً خیر و شر اخلاقی را به شدت در نظر دارند و اصلاح گرانی اند که به دیگران پند و اندرز می دهند. (← دی و تایلور، ص ۷۰-۷۱)

رنگ سبز، در تصویرسازی های شعر عاصی، نقشی بسزا دارد؛ برای نمونه:

ای غنچه های سبز / من باغبان مرسل این فصلم / وز دست های من / اردیبهشت تان / آغاز می شود.
(عاصی، ص ۸۱۵)

از آستان فلک می درخشد آتش سبزی
به پیشواز بلند اختران، برای مجاهد
(همان، ص ۶۱۵)

یا سبزپوش خلعت درویشی! / زنجیرهای سخت اسارت را / از شانه های خسته من بردار. (همان، ص ۶۵۷)
بی آنکه در تفاهم با بیداد / زانو زنند / از ساق های خویش / بر چارراهه های شهادت / سرسبز می شوند.
(همان، ص ۷۳۳)

کیوترهای سبز جنگلی در دوردست از من / سرود سبز می خواهند / من آهنگ سفر دارم / من و غربت / من و دوری / خدا حافظ گل سوری! (همان، ص ۹۴۵)

راز لبان سبزه انگیزه می دهد تا
اندام های شب بو از غنچگی برآید
(همان، ص ۶۲۹)

نیست هنگامه سرسبزی فصل ناجو^۱
دست بیدار چریکی ست که درخشان مانده
(همان، ص ۷۱۰)

دریغ عطر پراکنده جوانی باغ!
دریغ لطف دل انگیز آسمانی باغ!
(همان، ص ۶۲۲)

براساس جدول ۲، بسامد رنگ سبز، در کلیات قهّار عاصی، ۹۸۵ بار است (۱۶۴ بار عیناً خود واژه و ۸۲۱ بار تداعی گره های آن).

جدول ۲. بسامد رنگ سبز و تداعی‌گرهای آن در کلیات قهّار عاصی

مجموعه اشعار رنگ سبز و تداعی‌گرهای آن	مقامه گل سوری	لالایی برای ملیحه	دیوان عاشقانه باغ	غزل من و غم من	تنها ولی همیشه	از جزیره خون	از آتش، از ابریشم	سال خون، سال شهادت	از باغچه‌های تاریک	از دست‌نویس‌ها	رباعی‌ها	دویتی‌ها
سبز/ سبزینه/ سبزه/ سرسبزی/ سبزوار	۱۴	۵	۱۳	۱۷	۱۱	-	۱۱	۲۳	۶	۲۶	۲۶	۱۲
زمرد/ زمردین	۱	-	۱	-	-	-	۲	-	-	-	-	-
زنگار	-	-	-	-	-	-	۱	-	-	۱	-	-
چمن	۱	۸	۷	۷	۲	۱	۴	۲	-	۳	۱۰	۲
خضر	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱
نازبو/ پیچک/ ریحان/ سیسنب	۱	-	۲	-	-	-	۱	۱	-	-	-	۱
باغ/ باغچه/ حدیقه	۹	۱۶	۵۶	۳۱	۳۱	۶	۳	۳۳	۳۱	۳۷	۱۸	۵
جنگل/ مزرعه/ راغ	۱۳	۳	۷	۱	۸	-	۲	۹	۲	۹	۷	۱۱
ناجو/ سرو/ صنوبر/ شمشاد/ کاج/ نارون/ اکاسی	۶	۱	۲	۷	۵	-	۸	۹	۲	۱۶	۳	۳
بهار/ فروردین/ اردیبهشت/ نوروز	۲۱	۲۳	۲۰	۲۰	۲۹	۴	۲۵	۲۲	۷	۲۷	۵۳	۱۴
علف/ علفزار	۵	-	۵	-	۷	۱	-	۲	-	۹	۱	۱
مرغزار/ شالیزار/ کاریز/ گیاه	-	-	-	۶	۲	۱	۲	۱	-	-	۳	-
بهشت/ جنت	۱	۴	۱۵	۱	۲	-	۴	۴	۲	۳	۳	۱
مجموع	۷۲	۶۰	۱۲۸	۹۰	۹۷	۱۳	۶۳	۱۰۶	۵۰	۱۳۱	۱۲۴	۵۱
۹۸۵												

آبی (۱) - رنگ روشنی، طراوت و تازگی، آرامش، سکوت، تسلیم‌شوندگی، و امید است؛ تأمل در خود و احساسات خود را موجب می‌شود و، برطبق اصول رنگ‌شناسی، حسّ علوّ مرتبه و ژرف‌اندیشی به بیننده می‌بخشد (← خواجه‌پور و دیگران، ص ۲۳). آبی نماد صلح و آشتی، کمال

آرامش، مابعدالطبیعه، احساسات دینی، امنیت، و قداست معنوی است؛ و نیز واجد ماهیت مثبت و مطبوع (← اسماعیل پور، ص ۲۲) و نشان معرفت روحانی و نزدیکی به خداوند. (← باسانو، ص ۵۹)
رنگ آبی نشان دهنده حس یکپارچگی و تعلق خاطر است و نیز حد و حدودی که شخص در اطراف خود می کشد (← لوشر، ص ۷۹). همچنین، نماد روح و روان، حقیقت، اعتماد، عشق و ایثار، تسلیم، و فداکاری است و مظهر ابدیت بی انتها و ارزش های پایدار. آبی روشن، چون رنگ دریا و آسمان روز است، مظهر سکون و آرامش است و از حیث نمادین یادآور آب آرام و خلق و خوی آرام و طبیعت زنانه و روشنایی (← خواجه پور و دیگران، ص ۲۳). اما، متقابلاً، آبی تیره که رنگ دریا و آسمان شب است – سکون و آرامش، بی حرکتی و ایستایی، استراحت و آرمیدن، و کاهش فعالیت های بدنی به همراه دارد.

آبی، خواه خود واژه و خواه تداعی گرای آن («کبود»، «آسمان»، «برکه»، «نیلی»، «آب»، «دریا» و ...)، سومین رنگ پُرکاربرد کلیات قهّار عاصی است:

زان پیش تر که وسوسه های کبود یأس / دستان آفتابی شان را زیون کنند / بر هم زدند / صاعقه بر جا گذاشتند. (عاصی، ص ۸۹۱)

دست نامرئی لطف اندام بی تاب مرا بنواخت / آسمان آبی پیشانی اش آرامشم بخشید / وز لبان نازکش آسایشم گل کرد. (همان، ص ۷۷۲)

من اما نابلد بودم / گمان برکه های نیلی مهتاب ازش بردم / فریب آب ازش خوردم. (همان، ص ۹۱۷)

یک کسی ترکیبی از آبی و سبز و آتشی یک کسی، کز روشنی، هر شیوه شیوا بایدش
(همان، ص ۷۱۲)

همچون زنی رهاشده از زنجیر / تاریخ با جامه کبود گران جانی / در استوای حادثه می لرزید.
(همان، ص ۵۹۰)

یاد باد آن که آسمان رنگی در قرینه به رنگ آبی داشت
جلوه کاذب امیدی بود خاطر از خوبی خرابی داشت
(همان، ص ۵۷۵)

باشد که باز طلعت دریا را / از ماهیان کور تهی یابم. (همان، ص ۶۵۷)

پرنندگان صداقت ز بیشه های کبود برای جفت گرفتن سرودها سفتند
(همان، ص ۷۱۷)

جدول ۳ بسامد رنگ آبی و تداعی گره‌های آن در کلیات قهّار عاصی

مجموعه اشعار رنگ آمی و تلدای گره های آن											
مقامه گل سوری	لالایی برای ملیحه	دیوان عاشقانه باغ	غزل من و ضم من	تنها ولی همیشه	از جزیره خوز	از آتش، از ابریشم	سال خون، سال شهادت	از باغچه های تاریک	از دست نویس ها	رباعی ها	دوبیتی ها
۱	-	۱	-	۱	۱	-	۴	-	۴	۱	-
۱	-	۲	-	-	۱	-	۲	۴	۴	-	۱
۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱	-	۱	۱	۱	-	-	-	-	۴	-	-
۱	-	۱۵	۱	۲	-	۱	۶	-	۲	۲	۱
۱	-	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-
۴	۶	۱۲	۷	۱۳	۳	۴	۱۵	۷	۸	۴	۳
۲۹	۱۸	۹۰	۲۴	۵۸	۹	۱۹	۵۷	۱۰	۳۷	۳۴	۳۱
-	-	۱	-	۱	-	۱	-	-	-	-	-
۲	۶	۶	۹	۸	۲	۱۳	۱۵	۱	۳	۶	۴
-	۱	-	۱	۳	-	۳	-	-	-	-	-
۴	۱	۲	۱	۶	۱	-	۶	-	۴	۳	۵
-	-	-	-	۱	-	۱	۱	۴	۶	۱	-
۴۵	۳۲	۱۳۰	۴۴	۹۵	۱۷	۴۲	۱۰۵	۲۵	۶۹	۵۱	۴۵
مجموع											

سیاه (۷) — نماد غم و اندوه، ترس و دلهره، و ابهام است؛ و گاه یادآور شب، سوگواری، سکوت، و مرگ (← شجاعی، ص ۹۶) و گاهی نیز نمایانگر شرّ و آشوب، راز ناشناخته، ناخودآگاه، و مالیخولیا و وهم (← اسماعیل پور، ص ۲۲). سیاه همچنین خنثی کننده خود و بیانگر تسلیم یا انصراف نهایی و ترک علاقه است و البته برخوردار از قدرت اثربخشی قوی بر هر رنگی (← لوشر، ص ۹۹). در قرآن، بیشتر، برای توصیف حالات مشرکان آمده و نماد کفر و گمراهی است. در بسیاری از اجتماعات و گروه‌های مذهبی نیز نماد ریاضت و دوری از تعلّقات مادی است و رنگی خنثی، راکد و ساکن، فاقد نیروی پویایی و جنب و جوش، و مانع هرگونه تحریک روانی و جسمانی. (← خواجه پور و دیگران، ص ۵۱)

سیاه، چنانچه در نیمه اول آزمون لوشر قرار گیرد (خصوصاً در سه وضعیّت اول)، بروز رفتاری جبرانی از نوع افراطی را موجب می‌گردد. هرآن‌که سیاه را در وضعیّت اول انتخاب کند، درواقع، می‌خواهد همه چیز را نفی کند؛ چون می‌پندارد هیچ چیز چنان‌که باید و شاید نیست. چنین فردی در برابر سرنوشت قد علم می‌کند و، از خود، رفتاری عجولانه و ناعاقلانه نشان می‌دهد. اما، چنانچه سیاه انتخاب شخص در وضعیّت دوم باشد، او مایل به نفی هرچیز دیگری است؛ مشروط بر آن‌که این رنگ بتواند واجد تمام صفاتی باشد که رنگ دلخواه او در وضعیّت اول واجد آن است. مثلاً، چنانچه قرمز در وضعیّت اول و سیاه در وضعیّت دوم باشد، می‌توان توقع داشت برآوردن آرزوهای بزرگ به مثابه رفتاری برای جبران کمبودهای او ظاهر می‌شود. (← لوشر، ص ۱۰۰)

سیاه چهارمین رنگ پُرکاربرد در شعر عاصی است:

من و قسمتی سیاهی ز خرابه‌های اینجا من و ارغنونِ دردم، من و تلخیِ صدایم
(عاصی، ص ۵۵۹)

آی خاتون سیه‌پوش تبار ناجو/ گیسوانِ خونت/ در کدام آینه تألیف شدند/ که نبایستی در باد
رهاشان بکنی؟ (همان، ص ۶۷۷)

که مفسد رسید و سیاهی رسید شب و روز تلخ و تباهی رسید
(همان، ص ۵۳۹)

ناکسان بر چارراهی‌ها/ سفره پُرنعش و گندِ فلسفه‌شان را/ طبل کوبیدند/ کس ز طومار سیاهشان/ فال
نیکویی بهش نگرفت. (همان، ص ۷۲۶)

همه کله‌ها خشک و دل‌ها سیاه همه سینه‌ها گنده و کینه‌گاه
(عاصی، ص ۵۴۰)

به‌خاطر غمِ بسیار و شادمانیِ کم / به‌خاطر شب و روز سیاه بی‌هنری / بی‌شعری / بیا که گریه کنیم.
(همان، ص ۲۵۸)

دیوی سیاه / شهزادهٔ سرود و ستایش را / در بند کرده‌است / مگذار! (همان، ص ۶۵۷)

باز دیوانه‌های زنجیری ز آن‌سوی آب‌های شور سیه
می‌فرستند اجیرهاشان را سوی این سرزمین پاک‌تبه
(همان، ص ۵۶۰)

باز اینک سیاه‌چال و سقوط ملت و آستان بر باد
خونِ ما را به خاک می‌سپرد آری تاریخ، آری آزادی
(همان، ص ۵۶۱)

قتال شهر من / مجموعهٔ سیاهی و سرنیزه است / خون‌خوارهٔ هزار دم کشتن / دیوانهٔ هزار سر مرگ است.
(همان، ص ۵۸۵)

جدول ۴ بسامد رنگ سیاه را در شعر عاصی نشان می‌دهد؛ بدین شرح که، از مجموع ۶۳۵ بار، ۸۴ بار عیناً خودِ واژه و ۵۵۱ بار نیز تداعی‌گرهای آن آمده‌است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۴ بسامد رنگ سیاه و تداعی گره‌های آن در کلیات قهّار عاصی

مجموعه اشعار												
رنگ سیاه و تداعی گره‌های آن												
مقامه گل سوری	لالایی برای ملیحه	دیوان عاشقانه باغ	غزل من و غم من	تنها ولی همیشه	از جزیره خون	از آتش، از ابریشم	سال خون، سال شهادت	از باغچه‌های تاریک	از دست‌نویس‌ها	رباعی‌ها	دوبیتی‌ها	
۶	۴	۱۲	۴	۹	۱۰	۸	۸	۵	۸	۷	۳	
-	-	۲	-	۲	۱	۳	۲	۲	-	۳	-	
۱	-	۲	۱۲	۳	۱	۷	۸	۵۳	۲	۲	-	
۲۰	۱۴	۴۷	۳۱	۱۵	۸	۱۸	۲۴	۱۷	۱۵	۳۴	۲۴	
۸	۱	۱۷	۱۰	۱۱	-	۵	۱۰	۲	۱۱	۸	۵	
۱	-	۱۰	۳	۴	۳	۲	۹	۶	۸	۸	۲	
-	-	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	
۱	-	۲	-	۳	-	۱	-	-	۱	-	-	
۱	-	۱	-	-	-	-	-	۱	۱	-	-	
-	-	-	۱	-	-	-	-	-	۱	-	-	
۵	۱	۲	-	۲	-	-	-	-	-	۱	-	
-	۱	۵	-	۱	۱	-	-	-	-	-	-	
۴۳	۲۱	۱۰۰	۶۱	۵۱	۲۴	۴۴	۶۱	۸۶	۴۷	۶۳	۳۴	
۶۳۵												

قهوه‌ای (۶) - رنگ خاک است و یادآور کالبد و زمین؛ همچنین رساننده مفاهیمی چون متانت، فروتنی و خاکساری، استحکام و سخت‌کوشی، یاریگری؛ و گاه نیز نماد رویش و تکامل (← شجاعی، ص ۱۰۰). قهوه‌ای، خالی از هرگونه رنگ و بوی خوشونت، در جستجوی صلح است و

محرک حس قدرت و اطمینان و نیز موجد حس غم و انزوا. همچنین، معمولاً بیانگر جسمانی بودن، زمینی بودن، متفاوت بودن، و گاه نیز پیچیدگی است. (← قاسمی، ص ۲۸۳)

قهوه‌ای، اگر در منطقه «بی‌واکنشی و بی‌حسی» قرار گیرد، نشان‌دهنده وضعیت حسی و جسمانی سالم است؛ زیرا بدن سالم و مراقبت‌شده کمتر توجه صاحب خود را جلب می‌کند؛ وگرنه، اگر بیماری یا درد و ناراحتی جسمانی پیش آید، قهوه‌ای شروع به حرکت به‌سوی اولین ردیف‌های رنگ می‌کند. (← لوشر، ص ۹۷-۹۸)

پنجمین رنگ کاربردی لوشر، در اشعار قهار عاصی، قهوه‌ای است و البته هیچ‌گاه لفظاً و عیناً به کار نرفته بلکه صرفاً تداعی گره‌های آن آمده:

من خاکی‌ام / شکنجه‌شده / خسته / او آتشین و عاصی و تابنده. (عاصی، ص ۷۵۷)

مده پای بیگانه را ره به خاک	رو دشمنان وطن را مپاک
مساز از چمن خاک‌توده مغاک	ازین بیشتر سینه‌اش را مچاک
مشور آتشی را که صدگانه است	خبر دار! بیگانه بیگانه است

(همان، ص ۵۵۱)

دل من جزیره متروکی ست / دورافتاده‌ای از آبادان / کوچک / اما / پایتختی از عشق. (همان، ص ۸۲۰)

گفتی / شهزاده‌ای / منظومه بلند جوانی را / از خاک با زبان مطالبش / ... به باغچه‌ای می‌خواند!

(همان، ص ۷۵۰)

در این خاک بسیار بیگانه‌ها

فشانند تخم جدال و جفا

(همان، ص ۵۴۸)

دستان بی تفاوت نامرئی / بر بازوان چوبی وابسته / در کارزار تاب نمی‌آرد / اما تو جاودانه بخواهی ماند / فرهنگ من! (همان، ص ۷۳۸)

بگو به خاک فروش / که دست از سر این خاک‌توده بردارد. (همان، ص ۶۰۰)

می‌سپارند زنده‌زنده به خاک

ملت‌ی را به پای بر بادیش

(همان، ص ۵۶۰)

مطابق جدول ۵، بسامد کاربرد لفظ قهوه‌ای در شعر عاصی صفر و اما بسامد تداعی گره‌های آن ۲۱۸ بار است.

جدول ۵ بسامد رنگ قهوه‌ای و تداعی گره‌های آن در کلیات قهار عاصی

مجموعه اشعار رنگ قهوه‌ای و تداعی گره‌های آن	مقامه گل سوری	لالایی برای سلیمه	دیوان عاشقانه باغ	غزل من و غم من	تنها ولی همیشه	از جزیره خون	از آتش، از بریشم	سال خورن، سال شهادت	از باغچه‌های تاریک	از دست‌نویس‌ها	رباعی‌ها	دویتی‌ها
قهوه ای / قهوه	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
سرب / سرب / سربین / مذاب	-	-	-	۱	۳	-	۱	-	۱	-	-	-
فولاد / فولاد / آهن / آهنین	۲	-	۲	-	۲	۲	-	۲	-	۱	-	۱
زمین / جزیره	۱	۱	۱	۲	۲	۱	۳	۱	-	۱	-	۱
خاک / کلونخ	۹	۵	۱۵	۶	۱۸	۴۰	۸	۱۱	۵	۱۵	۱۴	۶
سیل / سیلاب	۱	-	۲	-	۲	۱	-	-	-	۲	۲	-
گل	۱	-	۱	-	۱	-	-	-	-	-	-	-
خرما	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	-	-
ناک	-	-	۱	۱	-	-	-	۱	۱	-	-	-
بلوط	۱	-	۲	۱	۳	-	۱	۱	۱	۲	۳	-
زنگ	-	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-
مجموع	۱۵	۶	۲۴	۱۲	۳۱	۴۴	۱۳	۱۶	۸	۲۲	۱۹	۸
۲۱۸												

خاکستری (۰) - رنگی است میان دو نهایت: «سیاه» و «سفید»؛ و می‌تواند رنگ مایه هر رنگ دیگری را نیز دریافت کند. غالباً دال بر احساس گوشه‌نشینی، مسئولیت‌گریزی، ابهام، بی‌خیالی و یکسان‌انگاری، غم و دل‌تنگی، سکوت، و نیز نوعی تشویش و اضطراب است (← شجاعی، ص ۸۳). این رنگ خنثی متعادل، موزون، یکسان‌انگار و بی‌روح، و نیز خوگیر با ناهمگون‌ترین تضادهاست. درواقع، نه قاطعیت سیاه را دارد و نه شفافیت سفید را؛ و همه چیز را در خود محو می‌کند. خاکستری، همانند دو رنگ سیاه و سفید، به سبب حضور نداشتن در طیف رنگی رنگین‌کمان، «رنگ» نامیده نمی‌شود بلکه به آن نیز عنوان «بی‌رنگ‌ها» داده شده است. (← خواجه‌پور و دیگران، ص ۵۲)

خاکستری شش‌مین رنگ پرکاربرد در اشعار عاصی است؛ از جمله این شعرها:

حجره‌های جلدشان خاکستری / نوید از هر روز آینه / پنجه کابوس فقر / اندامشان را / رنج می‌دارد.
(همان، ص ۶۹۸)

یا حضرت شهامت و دل‌داری / ویرانم / با خون نسل آتش و خاکستر / از کلبه‌های سوخته می‌آیم.
(همان، ص ۶۵۶)

براساس جدول ۶، در اشعار عاصی، ۱۹ بار لفظ خاکستری و ۱۹۰ بار نیز تداعی گره‌های آن به کار رفته است.

جدول ۶ بسامد رنگ خاکستری و تداعی گره‌های آن در کلیّات قهّار عاصی

دوبیتی‌ها	رباعی‌ها	از دست‌نویس‌ها	از باغچه‌های تاریک	سال‌خون، سال‌شهادت	از آتش، از آبریشم	از جزیره‌ی خون	تنها دلی همیشه	غزل من و ضم من	دیوان عاشقانه باغ	لالایی برای ملیحه	مقامه گل‌سوری	مجموعه اشعار زنگ خاکستری و تداعی‌گرهای آن
-	-	۱	-	-	۱	-	-	-	۲	۱	-	قهوه‌ای/ قهوه
۳	۱	۱	۱	-	۳	-	۱	۲	۱	۱	-	خاکستر
-	۴	۱	۱	۲	-	-	۲	۱	-	-	۴	ابر
۱	۵	۵	۱	۳	۳	-	۵	۵	۴	۱	۱	سایه
۷	۱۰	۲۴	۲	۸	۷	-	۳۳	۸	۱۵	۵	۱۲	کوه/ کوهسار
۱	-	۱	۱	۱	۱	-	۳	۱	۱	-	-	دود
۱۲	۲۰	۳۳	۶	۱۴	۱۵	-	۴۴	۱۷	۲۳	۸	۱۷	مجموع

زرد (۴) - یادآور شروع دوباره و بهار و امید و آرزوهای شیرین و، از نظر روان‌شناسی، نشاط‌آور است. زرد با فهم و دانایی در پیوند و نشان دانش و معرفت است. در گنبدهای طلایی مساجد بیزانس و نیز زمینه و طرح نقاشی استادان قدیم و پیش‌کسوت، زرد نماد نور و خورشید بوده‌است و نماد پادشاهی و سلطنت و آخرت و شگفتی. بهترین مصداق کاربرد آن را هاله‌ای طلایی می‌دانند که هیکل مقدسین را منور می‌ساخت. (← ایتن، ص ۲۱۰)

گفته‌اند «زندگانی، در فضای زردفام، انسان را بسیار فعال و پُرحرارت می‌کند؛ [...] و زرد] رنگ بی‌خوابی، بیداری، هیجان، اضطراب، و تلاطم فکری است» (آیت‌اللهی، ص ۱۵۱). زرد در آزمون لوشر روشن‌ترین رنگ است و، همچون قرمز، افزایش فشار خون و ضربان نبض را موجب می‌شود. صفات اصلی‌اش روشنی، درخشش، و شادمانی زودگذر است. انتخاب‌کننده زرد می‌خواهد مورد احترام دیگران باشد؛ او هرگز آرام و قرار ندارد و، برای رسیدن به اهوای بلندپروازانه خود، به محیط بیرونی‌اش فشار می‌آورد. (← لوشر، ص ۹۲-۹۳)

هفتمین رنگ کاربردی لوشر، در شعر قهار عاصی (در تصویرسازی‌ها و نمادپردازی‌های آن)، زرد است: و چراغی که سزاوار دمیدن می‌شد/ در تب زرد سیاست پوسید. (عاصی، ص ۶۷۷)

طلبل می‌کوبند سرخ و نغمه می‌خوانند زرد / مرگ را از پرده‌رنگارنگ مضمون می‌کشند
(همان، ص ۳۴۸)

ز بهار بی‌بروبار و نسیم تلخ، اینجا / همه زرد زرد گشته، همه زاروزار رفته
(همان، ص ۳۴۹)

پاییز در ترانه نمی‌گنجد/ ورنه/ امسال فصل دوزخی صبرم/ بسیار دردناک/ بیداد می‌کند. (همان، ص ۵۹۴)
به من عرضه کن آن طلایی‌گلاب / که بسیار سردیم و بی‌حد خراب
(همان، ص ۶۳۲)

و خواب‌های طلایی/ فضای خانه دلگیر و تنگ و سرد ورا/ لطیف و دیدنی و خوش‌گوار/ آذین کرد.
(همان، ص ۷۹۵)

مزار من! / وطن خواب‌های زَرینم! / تو تا به رقص برآیی و آتش افروزی/ مرا و عشق مرا/ کوچیان
جلگه‌نشین/ به ملک‌های جدایی/ برای خاطره بازگشت سنبله‌ها/ به ملک‌های جدایی/ ترانه می‌سازند.
(همان، ص ۸۰۱)

آنک فتاده برگ زرد از باغ بر روی زمین / آنک جوانی چمن ازدست‌رفته و آتشین
(همان، ص ۶۲۷)

برحسب جدول ۷، در شعر عاصی، ۱۰ بار عیناً لفظ زرد و ۹۴ بار نیز تداعی‌گرهای آن آمده‌است.

جدول ۷ بسامد رنگ زرد و تداعی گره‌های آن در کلیات قهّار عاصی

مجموعه اشعار	رنگ زرد و تداعی گره‌های آن	مقامه گل سوری	لالایی برای ملیحه	دیوان عاشقانه باغ	غزل من و ضم من	تنها ولی همیشه	از جزیره خون	از آتش، از برشم	سال خون، سال شهادت	از باغچه‌های تاریک	از دست‌نویس‌ها	رباعی‌ها	دوبیتی‌ها
زرد	-	-	-	-	۴	-	-	۲	۲	-	۱	-	۱
زرا/ زرنکار/ طلا/ طلایی/ مطلا/ زربین	۲	-	۱۰	۳	۱	-	۳	۴	-	۱	۲	۳	
یابیز/ خزان	۸	-	۱	۴	۹	۳	۵	۶	-	۱	۷	-	
شهدا/ عسل/ انگبین	۲	-	۱	۲	۱	-	۳	۱	-	۱	-	۱	
زعفرانی/ زعفران	-	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	
کاه/ کَه	-	-	-	-	-	-	-	۱	۱	۲	-	-	
گنج/ خزانه	-	-	۱	-	-	-	-	۱	۱	-	۱	-	
مجموع	۱۲	-	۱۳	۱۴	۱۱	۳	۱۴	۱۵	۱	۷	۹	۵	
۱۰۳													

بنفش (۵) - ترکیبی است از دو رنگ آبی و قرمز که، در آن، تندی قرمز، به واسطه آرامش و طبع سرد و خنک آبی، فروکش کرده و بیننده را به آرامش و رهایی می‌خواند. بنفش را رنگ عرفان و معنویت، عظمت و اقتدار، تفکر، آرامش، خیال‌پردازی، و گاه سوگواری دانسته‌اند و نیز مصداق الهام‌بخشی و تطهیرکنندگی افکار و احساسات (← شجاعی، ص ۸۲-۸۳). همچنین، رساننده مفاهیمی چون سردی، کناره‌گیری و انزواطلبی، و بی‌طرفی است و کنایه از خون و غم و تسلیم (← خواجه‌پور و دیگران، ص ۲۷). نیروی رنگ بنفش توجه بیننده را به روح و روان خود و تقویت خرد معطوف می‌سازد که حاصلش افزایش استعداد و خلاقیت است. در مجموع، بنفش را رنگی سرد می‌توان دانست. پوشیدن لباس بنفش، به فرد، حس «احترام به خود، وقار، و عزت نفس می‌بخشد» (سان و

سان، ص ۱۳۲). از دیدگاه روان‌شناسی نیز بنفش و ارغوانی، که یادآور رنگ بنفش است، تداعی‌کننده معنویت و آرامش و تقویت‌کننده افکار است. (← دی و تایلور، ص ۹۰-۹۱)

قرارگرفتن بنفش در وضعیت هشتم به این معناست که آرزوی داشتن صمیمیتی معنوی و روحی و غیر جسمانی با فردی دیگر رد یا سرکوب شده است و، بنابراین، شخص مایل نمی‌شود که خود را عمیقاً به دوستی و رابطه‌ای (اعم از شخصی یا شغلی) متعهد سازد؛ مگر آنکه دقیقاً از چندوچون آن و نیز از مسئولیت‌های خود و عواقبش آگاه شود. (← لوشر، ص ۹۶-۹۷)

بنفش و تداعی‌گرهای آن («ارغوان» و ...)، در شعر عاصی، کمترین کاربرد را دارند. اینک، شواهدی از آن:

کبوتران نگاه تو بی دریغ و دروغ کشانده‌اند مرا جانب هوای بنفش
(عاصی، ص ۷۱۷)

اگر که درد نبود/ مرا/ چراغ مرا/ تعارفات بنفشینه می‌کشید به خویش. (همان، ص ۷۸۶)

چرا/ هوای سبز شکوفاندن بلندی‌ها/ به گفته آنان/ حریم پنجره‌ات را/ بنفشه خواهد بست/ و عاشقان، همه، با یک سرود می‌خوانند: «همین دم از وطن نور و سبزه می‌آیم». (همان، ص ۷۹۲)

تا دامن بنفش نگاهت را/ گردی به رهگذار نیفشاندی/ از اشتیاق/ باغ برانگیزم. (همان، ص ۸۱۴)

باد ویرانی وزید و باغ در ماتم نشست نسترن در خون فتاد و ارغوان بر بادرفت
(همان، ص ۵۷۹)

جدول ۸، بسامد کاربرد رنگ بنفش (۲۳ بار لفظاً) و تداعی‌گرهای آن را (۲۱ بار) در اشعار عاصی نشان می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۸ بسامد رنگ بنفش و تداعی‌گرهای آن در کلیات فہار عاصی

مجموعه اشعار	رنگ بنفش و تداعی‌گرهای آن	مقامه گل سوری	لالایی برای ملیحه	دیوان عاشقانه باغ	غزل من و غم من	تنها ولی همیشه	از جزیره خون	از آتش، از ابریشم	سال خون، سال شهادت	از باغچه‌های تاریک	از دست‌نویس‌ها	رباعی‌ها	دویتی‌ها
بنفش / بنفشینه / بنفشه	۱	۳	۵	۱	۲	-	-	-	۵	۱	۱	۳	-
ارغوانی / ارغوان / ارغوانزار	۲	۱	۱	۱	۱	-	۱	۱	-	-	۳	۱	۲
شب‌بو	۲	-	۱	-	-	-	-	۱	۱	-	-	-	۱
گل شبنم	-	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-
گون	-	-	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
مجموع	۵	۴	۸	۳	۳	۳	۱	۲	۶	۱	۴	۴	۳
۴۴													

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، در روش لوشر، نخست هشت رنگ، برحسب میزان کاربرد و فراوانی بسامد، در یک ردیف می‌آیند و سپس دوتایی گروه‌بندی می‌شوند؛ توضیح آنکه دو رنگی که از نگاه مخاطب بیشترین میزان ارجحیت را دارند، و با علامت + مشخص می‌شوند، در ردیف و جایگاه نخست قرار می‌گیرند که درواقع بیانگر «گرایش و تمایل فرد» است به آن دو. دو رنگ قرارگیرنده در جایگاه دوم، که با علامت x می‌آیند، بیانگر «وضع واقعی و هدف مورد نظر» فرد است؛ یعنی وضعیتی که شخص حقیقتاً خود را در آن می‌یابد و نیز رفتاری که زائیده موقعیت فعلی اوست. و اما دو رنگ نشسته در مکان سوم، که با علامت = مشخص می‌شوند، مبین «اهمیت‌ندادن» شخص است به آن دو؛ بدین معنی که صفات خاص این گروه نه مردود و نه دلخواه بلکه علی‌السویه است. و سرانجام دو رنگ جای‌گرفته در گروه چهارم (آخر) بیانگر «عدم تمایل» یا «گریز» فرد از آن‌هاست و «غیر دلخواه» و طردشده محسوب و با علامت - نشان داده می‌شوند. (لوشر، ص ۳۲-۳۵)

با اعمال گروه‌بندی مزبور در شعرهای عبدالقهار عاصی، درصد و فراوانی کاربرد هر هشت رنگ آزمون لوشر در کلیات اشعار شاعر مشخص شد؛ جدول ۹ مبین آن است.

جدول ۹ بسامد فراوانی هشت رنگ آزمون لوشر در کلیات قهار عاصی

رنگ	قرمز	سبز	آبی	سیاه	قهوه‌ای	خاکستری	زرد	بنفش	جمع
فراوانی	۱۲۰۲	۹۸۵	۷۰۰	۶۳۵	۲۱۸	۲۰۹	۱۰۴	۴۴	۴۰۹۷
درصد	۲۹	۲۴	۱۷	۱۶	۵	۵	۳	۱	۱۰۰

هرچند در روش کاربردی ماکس لوشر آزمون‌دهنده، پس از انتخاب نخست (انتخاب گروه‌های رنگی)، با فاصله تقریبی نیم‌ساعت ملزم به انتخابی دیگر (انتخاب دوم) نیز هست، در این پژوهش، به سبب ناممکن بودن انتخاب دوم، همان گروه اول دوباره چیده می‌شود و بدین ترتیب چیدمان رنگ‌ها نیز مطابق جدول ۱۰ خواهد بود.

جدول ۱۰ چیدمان هشت رنگ آزمون لوشر در کلیات قهار عاصی

قرمز (۳)	سبز (۲)	آبی (۱)	سیاه (۷)	قهوه‌ای (۶)	خاکستری (۰)	زرد (۴)	بنفش (۵)
قرمز (۳)	سبز (۲)	آبی (۱)	سیاه (۷)	قهوه‌ای (۶)	خاکستری (۰)	زرد (۴)	بنفش (۵)

با در نظر داشتن ترکیب رنگ‌های جدول مزبور، این چهار زوج را خواهیم داشت:

$$\begin{array}{|c|c|c|c|} \hline +۲+۳ & \times ۷ \times ۱ & =۰=۶ & -۵-۴ \\ \hline \end{array}$$

در ادامه، هریک از زوج‌ها جداگانه بررسی و عملکرد قهار عاصی در گزینش رنگ‌ها در اشعارش، در هر گروه، تحلیل می‌شود.

تحلیل وضعیتی و عملکرد قهار عاصی در هریک از گروه‌های چهارگانه آزمون رنگ لوشر
تحلیل وضعیتی و عملکرد عاصی در گروه نخست: $+۲+۳$ (قرمز+سبز)
انتخاب قرمز (+۳) بدین معناست که فرد فعال و باروحيه و در مسیر کامیابی و پیروزی است و می‌خواهد زندگی پربار و بی‌نقصی داشته باشد. (- لوشر، ص ۱۴۶)

انتخاب سبز (+۲) مبین آن است که فرد به‌رغم رویارویی با وضعیت دشوار می‌کوشد، با قدرت تصمیم‌گیری و اراده، موقعیت خود را محکم و استقلال عملش را حفظ کند؛ همچنین می‌خواهد بر مخالفت‌ها غلبه کند تا دیگران به ارزش او پی ببرند. (← لوشر، ص ۱۴۴)

انتخاب قرمز+سبز (+۲+۳) یعنی زوج «قرمز+سبز» در گروه اول (گرایش و تمایل) نمایانگر آن است که فرد به دنبال کسب موقعیت است و اهدافش را با شدت و حدت دنبال می‌کند و از آن‌ها دور نمی‌شود و می‌خواهد، با کامیابی‌اش، از احترام و اعتباری خاص در نزد مردم برخوردار شود. (← همان، ص ۱۴۵-۱۴۷)

تحلیل وضعیت و عملکرد عاصی در گروه دوم: $1 \times 7 \times$ (آبی+سیاه)

انتخاب آبی ($1 \times$) بدین معناست که فرد، در رویارویی با دوستان و نزدیکانش، عملکردی آرامش‌آمیز دارد و دوست دارد در ارتباطاتش با آن‌ها احساس راحتی و آسایش کند. (← همان، ص ۱۵۸)

انتخاب سیاه ($7 \times$) نشان کشمکش درونی و ناخوشنودی فرد است و اینکه وضع موجود را برخلاف میل خود و بسیار طاقت‌فرسا می‌بیند؛ اما، با این حال، اجازه نمی‌دهد هیچ چیز در افکار او تأثیر منفی بگذارد. (← همان، ص ۱۵۳)

انتخاب آبی x سیاه (7×1) یعنی زوج «آبی+سیاه» در گروه دوم (وضع واقعی و هدف مورد نظر امور)، از دیدگاه لوشر، به این معناست که شخص نیازمند صلح و صفا و آرامش و مصاحبتی گرم و صمیمانه است و، اگر این خواسته‌اش برآورده نشود، امکان آن هست که از اطرافیانش دوری کند. (← همان، ص ۱۵۹-۱۶۷)

تحلیل وضعیت و عملکرد عاصی در گروه سوم: $6 = 0 +$ (قهوه‌ای+خاکستری)

انتخاب قهوه‌ای ($6 =$) بدین معناست که فرد نیازی برآورده نشده به معاشرت و دوستی با افرادی هم‌سطح و هم‌فکر خود دارد؛ و از افراد عادی کناره‌گیری می‌کند و خواستار احترام از جانب دیگران است. (← همان، ص ۲۲۰)

انتخاب خاکستری ($0 =$) این معنا را می‌رساند که فرد «مایل به مشارکت در کارها و همکاری با دیگران است ولی برای کاستن از اضطرابش می‌کوشد تا، در برابر کشمکش‌های درونی و اختلالات روحی، از خودش دفاع کند». (همان، ص ۱۶۹)

انتخاب قهوه‌ای=خاکستری ($6 = 0 +$)، یعنی زوج «قهوه‌ای+خاکستری»، در گروه سوم بدین معناست که فرد مایل به بروز احساسات و هیجانات خود است و دوست دارد زندگی‌اش

همراه با عشق و علاقه باشد و از آن لذت ببرد و از تضاد نیز دوری کند. همچنین می‌کوشد، به منزله فردی استثنایی، به او احترام بگذارند. (همان، ص ۱۷۰-۱۷۹)

تحلیل وضعیتی و عملکرد عاصی در گروه چهارم (آخر): ۴- + ۵- (زرد+بنفش)

انتخاب زرد (۴-) مبین آن است که فشارهای روحی ناشی از ناامیدی موجب اضطراب فرد شده است و آرزوهای برآورده نشده نیز موجب تردید و نگرانی‌اش. او نیاز دارد احساس آرامش و امنیت کند اما می‌ترسد وجودش نادیده گرفته شود یا موقعیتی و اعتبارش را از دست بدهد. طرز تلقی منفی‌اش در تردید از بهبودی اوضاع آینده نیز او را به عنوان کردن درخواست‌های مبالغه‌آمیز و رد هرگونه سازش منطقی سوق می‌دهد. خلاصه، بدبینی‌ای برخاسته از اضطراب و ترس وجودش را فراگرفته است. (همان، ص ۲۰۷)

انتخاب بنفش (۵-) نمایانگر آن است که فرد

از خوش سلیقه بودن، دلپذیر بودن، و حساس بودن لذت می‌برد ولی دیدگاه انتقادی خودش را حفظ می‌کند و فقط تحت الشعاع مواردی قرار می‌گیرد که واقعاً اصیل و یکپارچه باشند؛ لذا کنترلی شدید و بسیار مراقبت‌آمیز را در روابط عاطفی خود به کار می‌برد تا دقیقاً بداند که در چه وضعی قرار دارد. (همان، ص ۲۱۴)

انتخاب زرد (۴-) بنفش (۴-) یا، به عبارتی، قرارگرفتن زوج «زرد+بنفش» در وضعیتی چهارم (آخر) به این معناست که ناامیدی فرد منجر شده است به کناره‌گیری‌اش از دیگران و پناه‌بردن به خویش؛ توضیح آنکه او شور و شوق ذاتی و طبیعت خیال‌پرور خود را سرکوب می‌کند زیرا می‌ترسد که، اگر یکی از خواسته‌های خود را عملی کند، اختیار از کف بدهد. (همان، ص ۲۱۱)

نتیجه

براساس نظریه «روانشناسی رنگ» ماکس لوشر، اولین رنگ انتخابی شاعر نمایانگر هنجارها و ناهنجارهای ذهن اوست. رنگ سرخ (انتخاب اول قهار عاصی در اشعارش) نماد «مرگ و زندگی» است: مرگ با شعله‌های سوزان و گدازان که همه چیز را در خود ذوب می‌کند و از بین می‌برد و زندگی با تب و تاب و التهابی پُرسوز که شور عشق و شوق در دل می‌ریزد؛ رنگی حاکی از شهادت و قیام و مبارزه. عاصی، که زندگی کوتاه اما پُر بار خود را در دوره حمله نظامی به افغانستان و استبداد و اختناق گذراند، شعرش سراسر پوشیده از رنگِ خون و شهید و شهادت و حاکی از قیام و مبارزه است. اما رنگ سبز در کنار قرمز (در وضعیتی اول) میل شاعر را به ساختن زندگی بهتر و اصلاح وضعیت مردم افغانستان نشان می‌دهد. او سرانجام این تاریکی‌ها را روشنایی می‌داند و به تحقق آزادی و عدالت باور دارد.

انتخاب رنگ آبی و سیاه در وضعیت دوم، یعنی «وضع واقعی و هدف مورد نظر» شاعر، بیانگر کشمکش‌های درونی او و نیز ناخشنودی و انزجارش از بی‌عدالتی محیط پیرامونش است و همچنین نمایانگر فریاد اعتراض او از اوضاع حاکم و تنفرش از حاکمیت و فضای اختناق‌آور اجتماعی. اما آبی، در کنار سیاه، آرامش شاعر و امیدش را به آینده نشان می‌دهد. عاصی همواره رؤیای بزرگ آزادی در سر می‌پروراند و رؤیایش را نیازمند دستیابی به صلح و صفا و آرامش می‌یابد. انتخاب دو رنگ قهوه‌ای (رنگی فاقد شور زندگی و موجد حس انزوا و کناره‌گیری) و خاکستری (رنگی نه تیره و نه روشن بلکه فاقد رنگ و جای‌گیرنده در گروه بی‌رنگ‌ها) در جایگاه سوم، در واقع، «اهمیت‌ندادن» شخص به آن دو را نشان می‌دهد و این یعنی عاصی مایل به بروز احساسات و هیجانات خود است و توانایی چنین کاری را به خوبی دارد اما می‌کوشد از تضادهای دوری کند؛ ویژگی‌ای که شعرش را پوشیده‌تر و رمزآمیزتر و در نتیجه هنری‌تر می‌سازد.

و، سرانجام، وضعیت چهارم که انتخاب دو رنگ زرد (انتخابی آمیخته با یأس و ناامیدی) و بنفش (انتخابی بر اثر فشار روحی ناشی از ناامیدی) بیانگر دل‌سردی و سرخوردگی شاعر و پناه‌بردش به خود است. او شور و شوق ذاتی و طبیعت خیال‌پرور خود را تا حد امکان پنهان می‌کند؛ خصوصیتی که زبان شعرش را نمادین و شاعرانه کرده است. عاصی محرک‌های اطراف را با احتیاط بررسی می‌کند تا از خلوصشان مطمئن شود.

حاصل‌آنکه فراوانی بسامد کاربرد رنگ قرمز — که بازگوکننده فضای تجاوز و حمله نظامی به کشور، استبداد، اختناق، قتل، و دیگر نابسامانی‌های اجتماعی است — در شعر قهار عاصی (به‌مثابه شاعری واقع‌نگر و درد‌آشنا) نشان از همدلی و همدردی او با مردم سرزمینش است. همچنین، فراوانی بسامد انتخاب رنگ سبز و آبی در کنار رنگ قرمز، در شعر او، مؤید آن است که در نگاه شاعر شور زندگی و امید به بهبود وضعیت حاکم موج می‌زند و او، در مقام ناقد اجتماعی، در پی یافتن راهی است برای بهبود اوضاع جامعه و رسیدن به معشوق بلندبالا و سبزقبای خود یعنی «آزادی».

منابع

- آیت‌اللهی، حبیب‌الله، مبانی نظری هنرهای تجسمی، سمت، چاپ پانزدهم، تهران ۱۳۹۹.
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم، اسطوره، بیان نمادین، سروش، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۷.
- اکبری، منوچهر و حسن فضائلی، «تأثیرات سیاسی و اجتماعی دوره کمونیستی بر ادبیات معاصر فارسی دری افغانستان»، پژوهش‌های ادبی، دوره دوم، ش ۷، بهار ۱۳۸۴، ص ۶۱-۸۲.
- انوشه، حسن و حفیظ‌الله شریعتی، افغانستان در غربت (زندگی‌نامه و نمونه‌سروده‌های شاعران تبعیدی افغانستان)، نسیم بخارا، تهران ۱۳۸۲.
- ایتن، یوهانس، کتاب رنگ، ترجمه محمدحسین حلیمی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۶۷.
- باسانو، مری، شفا با کمک موسیقی و رنگ، ترجمه آذر عمرانی‌گرگری، ارسباران، تهران ۱۳۸۳.

- بصری، محمدصادق، سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی (از آغاز تا عصر پهلوی)، ج ۱، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان ۱۳۸۸.
- پرتونادری، نصرالله، شعر پایداری و چگونگی آن در افغانستان، سعید، کابل ۱۳۹۹.
- پورنامداریان، تقی، سفر در مه (تأملی در شعر احمد شاملو)، نگاه، تهران ۱۳۸۱.
- خواججه‌پور، میلاد و دیگران، رنگ: روان‌شناسی زندگی، سبزان، چاپ دوم، تهران ۱۳۹۱.
- دی، جان‌تاتان و لسلای تایلور، روان‌شناسی رنگ (رنگ‌درمانی)، ترجمه مهدی گنجی، ساوالان، تهران ۱۳۸۷.
- سان، هوارد و دورتی سان، زندگی با رنگ (روان‌شناسی و درمان با رنگ‌ها)، ترجمه نغمه صفاریان‌پور، مؤسسه فرهنگی‌انتشاراتی حکایت، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۹.
- شجاعی، حیدر، نمادشناسی تطبیقی (۵) (رنگ‌ها، اعداد، اشکال، ...)، شهر پدram، تهران ۱۳۹۶.
- عاصی، عبدالقهار، کلیات قهار عاصی، تدوین و مقابله و تصحیح و مقدمه احمد معروف کبیری، بدخشان، مشهد ۱۳۹۲.
- علوی مقدم، مهیار و سوسن پورشهرام، «کاربرد نظریه روان‌شناسی رنگ» ماکس لوشر در نقد و تحلیل شعر فروغ فرخزاد»، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، سال چهل و ششم (دوره جدید)، ش ۲ (پیاپی ۶)، تابستان ۱۳۸۹، ص ۸۳-۹۴.
- فرخ‌نژاد فرهنگ، زهرا، «روان‌شناسی رنگ در اشعار هوشنگ ابتهاج براساس آزمایش ماکس لوشر»، بهارستان سخن (ادبیات فارسی)، سال سیزدهم، ش ۳۱، بهار ۱۳۹۵، ص ۱۵۵-۱۸۰.
- قائمی، مرتضی و مجید صمدی، «بررسی کاربرد رنگ‌ها در تصویرپردازی محمود درویش از مقاومت فلسطین»، نشریه ادبیات پایداری، سال اول، ش ۲، بهار ۱۳۸۹، ص ۲۶۱-۲۸۷.
- قاسم‌زاده، سیدعلی و ناصر نیکوبخت، «روان‌شناسی رنگ در اشعار سهراب سپهری»، پژوهش‌های ادبی، سال اول، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۴۵-۱۵۶.
- قاسمی، ریحانه، رنگ: فرمانروای فرهنگ، دارالعلم، قم ۱۳۸۹.
- قویم، عبدالقیوم، مروری بر ادبیات معاصر دری (از ۱۲۵۹ تا ۱۳۸۰ ش)، سعید، چاپ دوم، کابل ۱۳۸۷.
- کبیری، احمد معروف، «مقدمه» بر کلیات قهار عاصی ← عاصی.
- لوشر، ماکس، روان‌شناسی رنگ‌ها (با آزمایش انتخاب رنگ، شخصیت خود را بهتر بشناسید)، ترجمه ویدا ابی‌زاده، لیوسا، چاپ سی و دوم، تهران ۱۳۹۹.
- مظفری، سیدابوطالب، «شاعری جستجوی حقیقت است» (گفت‌وگو با سیدابوطالب مظفری)، شعر، سال دوم، ش ۱۴، آبان ۱۳۷۳، ص ۸۲-۸۷.
- واصف‌باختری، محمدشاه، «دیروز، امروز، فردای شعر افغانستان» (گفت‌وگو با واصف‌باختری)، شعر، سال دوم، ش ۱۴، آبان ۱۳۷۳، ص ۷۰-۸۱.
- هانت، رولاند، هفت کلید رنگ‌درمانی (تأثیر رنگ‌ها بر ذهن و سلامت شما)، ترجمه ناهید ایران‌نژاد، جمال‌الحق، تهران ۱۳۷۷.

